



بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی در آغاز چهارمین سال دوره‌ی نهم مجلس شورای اسلامی - 6 /خرداد/ 1394

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین

خوشامد عرض میکنیم به برادران و خواهران عزیز، و ایام مبارک شعبانیه را و مجموع این ماه را که ماه ذکر و عبادت و توجه و خشوع است، به همه‌ی برادران و خواهران تبریک عرض میکنیم. این فرصتها - فرصت ماه شعبان، فرصت ماه رمضان، فرصت ماه رجب - فرصتهای مغتنمی است؛ بخصوص برای ما و شما مسئولان. در نظام اسلامی، جوهر اصلی جامعه‌ی اسلامی عبارت است از تعبد، ایمان و عمل صالح آحاد ملت؛ همچنانکه در این آیاتی که تلاوت‌گر بسیار خوب ما تلاوت کردند، (۲) مشاهده کردید؛ اصل قضیه این است. آن چیزی که موجب میشود که ملائکه‌ی الهی به آحاد بشر بگویند «نحن اولیاءکم فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة» (۳) - ما، هم در دنیا با شما هم‌پیوند و هم‌دستیم، هم در آخرت - و خیلی مهم این است: ایمان، تعبد و عمل صالح در آحاد مردم، منتها مسئولان به‌طور مضاعف به این خطاب مخاطبند. هرچه مسئولیت سنگین‌تر است، این خطاب هم نسبت به او شدیدتر و سخت‌تر و سنگین‌تر است. باید این را در خودمان ایجاد کنیم؛ یعنی نمایندگی مجلس، مسئولیت در دولت، مسئولیت در نیروهای مسلح، مسئولیت در قوه‌ی قضائیه چیزهایی است که اولین وظیفه‌ای که به ما متوجه میکند عبارت باشد از وظیفه‌ی ایجاد ارتباط و اتصال محکم‌تر با خدای متعال، ایجاد بندگی خالص‌تر و بهتر؛ از این نباید غفلت کنیم.

بله، وقتی یک مسئولیتی به ما میدهند، عرصه‌ی آن مسئولیت، عرصه‌ی وظیفه‌ی اساسی ما است و باید برویم دنبال کنیم لکن قبل از آن و همراه با آن و در نهایت آن، آنچه برای ما باید مهم باشد و در مدّ نظر ما قرار بگیرد، این است که ما چه کار کنیم که به وظیفه‌ی الهی خودمان عمل کرده باشیم؛ تعبد ما، اخلاص ما، عمل ما، عمل صالح ما تأمین شده باشد. این، آن وظیفه‌ای است که مسئولین، خیلی باید به آن توجه کنند.

خب، این ماه‌ها فرصت بزرگی است - ماه شعبان، ماه رمضان - فرصتهای بزرگی است. این دعاهایی که در این ماه‌ها وارد شده است، راه را برای ما باز میکند. من و شما اگر بخواهیم با خدای متعال حرف بزنیم و یک مطالبه‌ای داشته باشیم، یک چیزی را از خدا درخواست کنیم، حقیقتاً درست بلد نیستیم. این دعاها با بلیغ‌ترین زبان، یاد میدهند به ما که از خدای متعال چه بخواهیم و با خدا چه جوری حرف بزنیم. همین مناجات شریف شعبانیه، فقراتی که از اول تا آخر [این] دعا هست، هر کدام از اینها یک دریایی از معرفت است. علاوه‌ی بر این به ما یاد میدهد که چطور با خدا حرف بزنیم و از خدا چه بخواهیم. الهی هب لی قلباً یدنیه منک شوقه و لساناً یرفعُ الیک صدقه و نظراً یقرّبهُ منک حقه. (۴) ببینید، سه نقطه‌ی کلیدی اساسی در یک فقره‌ی کوتاه دعا؛ دلی به من عطا کن که شوق، آن را به تو نزدیک کند؛ این شوق باید در دل به وجود بیاید. آلودگی ما به مادیات، آلودگی ما به گناه، آلودگی ما به طمعها و حرصهای گوناگون، این شوق را در دل می‌میراند. انس ما با قرآن، انس ما با دعا، انس ما با نوافل، درست به‌جا آوردن فرائض، این شوق را در دل برمی‌انگیزد و مشتعل میکند. یدنیه منک شوقه؛ آن وقت این شوق، دل را به خدا نزدیک میکند. و لساناً یرفعُ الیک صدقه؛ زبان صادق، سخن با صداقت. این سخن با صداقت، به‌سوی خدا بالا میرود. الیه یصعدُ الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه؛ (۵) حرف درست، حرف صادقانه، حرف صمیمانه، حرفی که در آن



شائبه‌ای از مادیت و خودخواهی و هواپرستی و این چیزها نباشد، سخنی است که به سمت خدا بالا می‌رود. وَ تَنْظَرًا يَقْرَبُهُ مِّنْكَ حَقُّهُ؛ نگاه حقیقت‌آمیز و حقیقت‌آلود، نگاه حقانی به مسائل، نه نگاه جانب‌دارانه، نه نگاه هوس‌گرانه، نه نگاه کاسب‌کارانه، مسائل را با نگاه حق، طرف‌داری از حق، دنباله‌ی حق بودن، با این نظر نگاه کنیم؛ آن وقت دل به خدا نزدیک می‌شود. ببینید، راه حرف زدن با خدا را به ما یاد می‌دهند؛ به ما می‌گویند از خدا چه خواهیم.

وظیفه سنگین است؛ اگر خواهیم این وظایف را انجام بدهیم، احتیاج داریم به این استحکام ارتباط. باید ارتباط را قوی کرد؛ روزه‌روز باید این ارتباط را حفظ کرد. ذکر دائم برای این است؛ اینکه نماز را در هر روز گذاشته‌اند و با تناوب گذاشته‌اند، برای این است که ما دچار غفلت نشویم. یکی از بزرگ‌ترین نعمتهای خدا، همین واجب کردن نماز بر ما است. اگر نماز را بر ما واجب نمی‌کردند، ما غرق در غفلت می‌شدیم؛ صبح، از خواب که پامیشوید، به یاد خدا؛ ظهر، وسط اشتغالات زندگی و معیشتی، به یاد خدا؛ شب، در پایان یک روزی که در آن تلاش کردید و کار کردید، به یاد خدا.

با یاد رویت جای در بستر گرفتم

با آرزویت سر ز بستر بر گرفتم (۶)

این آن ترتیب و برنامه‌ای است که برای ما در نظر گرفتند. عمل می‌کنیم؟ اگر [عمل] بکنیم، آن وقت می‌توانیم مطمئن باشیم که «اُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا» (۷) - در دعاها ما است - می‌توانیم خاطر جمع بشویم که سالم از اینجا بیرون خواهیم رفت. در دعای صحیفه‌ی سجّادیه [آمده]: اللَّهُمَّ ... اٰمِنًا مَّهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرَهِينَ تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَ لَا مُصْرِئِينَ؛ (۸) جوری ما را بمیران که در عین هدایت، از دنیا برویم؛ جوری ما را بمیران که به آن عالم، با طوع و رغبت رو کنیم. کفار این جوری نیستند، فساق این جوری نیستند، ملائکه می‌آیند بالای سرشان و با فشار و زور [می‌گویند]: اُخْرِجُوا اَنْفُسَكُمْ. (۹) اما مؤمنین نه، مؤمنین خاطرشان از آن طرف جمع است و با طوع و رغبت می‌روند؛ چشم از چیزهای زوال‌پذیر می‌بندند اما ناگهان چشم باز می‌کنند به نعمتهای عجیبی که [دنیا را] فراموش می‌کنند. یک سفر خوشی که شما می‌کنید، دم گاراژ ممکن است فرض کنید فرزند شما، برادر شما از شما دور می‌شود، دل شما را نگران کند؛ اما وقتی به سفر رفتید، این مناظر عالی، این زندگی خوب، تنوع و مانند اینها، اصلاً [آن نگرانی] یادتان می‌رود. وقتی آنجا شما با رضای الهی، رضوان الهی، پاداش الهی وارد شدید - تَرَلًا مِنْ غَفْوَرٍ رَحِيمٍ؛ (۱۰) آیاتی که الان خواندند - با این وقتی انسان مواجه شد همه‌ی آن چیزهایی را که اینجا بود و موقت بود و دلبستگی داشتیم و خودمان را برایشان میکشتم، فراموش می‌کنیم؛ [باید] این جوری انسان از دنیا برود. این وظیفه‌ی ما است. البته این حرفها در درجه‌ی اول خطاب به خود این حقیر است؛ بنده بارم از شما سنگین‌تر است و مشکلاتم بیشتر از شما است ولی همه‌مان بایستی توجه داشته باشیم. این اولین چیزی است که مورد نظر است.

خب، سه سال از دوران این مسئولیت و این فرصتی که شما داشتید گذشت؛ این آخرین دیدار این حقیر با مجموعه‌ی مجلس شما است - چهارمین دیدار است و آخرین دیدار - یعنی یک سال دیگر شما بیشتر وقت ندارید، بیشتر فرصت ندارید برای انجام خدمت. سه سال فرصت بود؛ این سه سال فرصت تمام شد، حالا دوران پاسخگویی شروع شد. وقتی که کاری را به انسان محول کردند، تمام شد و بیرون آمد، حالا باید بگوید که چه کار کرده؛ مسئولیت سنگین [این طور است]. سؤال، نه سؤال مردم، آن را انسان یک جوری می‌تواند رفع و رجوع کند؛ نه، سؤال ملاً اعلی، سؤال کسانی که «لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ»، (۱۱) سؤال آن کسی که بر دل‌های ما هم حاکم است، عالم است، چه برسد بر عملهای ما؛ این شروع می‌شود؛ باید خود را آماده کرد برای پاسخگویی؛ خودمان را باید آماده کنیم برای پاسخگویی؛ تلاش کنیم. حالا بالاخره خدای متعال هم «غَفْوَرٌ رَحِيمٌ» (۱۲) است



لکن این غفران و رحمت، برای تنبلیها، برای بی‌اعتناها، برای لابلالی‌ها خیلی بعید است؛ برای کسی است که زحمت بکشد، تلاش کند. بالاخره

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل

که گر مراد نجویم به قدر وسع بکوشم (۱۳)

این یک سال را مغتنم بشمرید؛ یک سال دیگر از این فرصت هنوز باقی است؛ امیدانید و نمیدانیم که آیا این فرصت بار دیگر نصیب بنده و شما خواهد شد یا نه. این یک سالی که حالا فرصت هست - به حسب ظاهر فرصت هست؛ حالا اجل هم که دست خدا است - مغتنم بشمریم، تلاش کنیم، کار کنیم، زحمت بکشیم. با همین معیارها، با همین میزانها، با میزان رعایت حق الهی، لسان صادق، نظر حق، دل شائق، با این میزانها حرکت بکنیم.

بحمدالله در این سه سال هم کارهای خوبی انجام گرفته است که رئیس محترم مجلس در گزارششان - در همین سخنرانی امروز - بیان کردند؛ قبلاً هم من گزارش مکتوب را دیده بودم؛ کارهای خوبی انجام گرفته است که ان شاء الله با نیت صادق و صالح و با نیت قربت انجام گرفته باشد، قطعاً مقبول درگاه الهی است و امیدواریم که ان شاء الله کارهایی که کردید، قرارهایی که گذاشتید، قوانینی که به نفع مردم، به نفع کشور، به نفع اسلام و مسلمین گذرانید، قوانین ماندگاری باشد، عمل بشود، اثر خودش را در جامعه ببخشد؛ مردم آثار کار شما را ان شاء الله حس کنند. این آن امیدی است که ما داریم. اصل عرایض ما همینهایی بود که عرض کردیم؛ یعنی در واقع به زبان نصیحت به شما، بنده خودم را نصیحت کردم که شاید ان شاء الله دل ما تحت تأثیر این حرفها قرار بگیرد و بتوانیم کاری که باید بکنیم انجام بدهیم. چند توصیه هم عرض میکنیم:

یک توصیه مربوط به نحوه رفتار دوستان - آقایان و خانمها - در این سال آخر است؛ مراقب باشید که عامل انتخابات آخر سال، بر نحوه اقداماتی که در این سال میکنید، اثر نگذارد؛ این خیلی مهم است. کاری که انجام میدهید، حرفی که میزنید، تأییدی که میکنید، مخالفتی که میکنید، نطقی که میکنید، تحت تأثیر عامل انتخابات آخر سال نباشد؛ فرض کنیم چنین انتخاباتی وجود ندارد، معیار را همان حق قرار بدهید در این یک سالی که باقی مانده؛ این مطلب اول.

توصیه دوم مربوط به برنامه‌ی ششم است؛ (۱۴) برنامه‌ی ششم - که سیاستهایش در مراحل نهایی است و ان شاء الله بزودی به دستگاه‌های مختلف ابلاغ خواهد شد - با دقت مورد توجه قرار بگیرد. سال آخر مسئولیت، معمولاً در بخشی از اوقات خود دچار آفت بی‌حوصلگی است - مخصوص شما هم نیست؛ دولت هم همین جور است - آن آخر کار، یک حالت بی‌حوصلگی بهشان دست میدهد؛ این آفت، دامان برنامه‌ی ششم را نگیرد. برنامه‌ی ششم مهم است؛ شما در برنامه‌ی ششم دارید برای پنج سال آینده کشور، قانون وضع میکنید، آن وقت ممکن است شما نماینده‌ی مجلس باشید، ممکن است نباشید، اما قانونتان هست؛ دولتها موظفند از آن قانون تبعیت کنند، مردم متأثر از آن قانونند. این قانون را - قانون برنامه‌ی ششم را - با این نگاه تدوین کنید؛ در همه‌ی بخشها: بخشهای اقتصادی، بخشهای فرهنگی، بخشهای خدماتی، بهداشتی و درمانی، بخشهای دفاعی و امنیتی، و امثال اینها. دچار بی‌حوصلگی نشوید در تدوین قانون برنامه‌ی ششم.

یک توصیه‌ی دیگر، مسئله‌ی تعامل است؛ تعامل با دیگر قوا، بخصوص با دولت؛ خوب، دولت مسئولیت میان‌داری را [به عهده دارد]. آنهایی که اهل ورزش باستانی‌اند، درست توجه دارند که ما چه عرض میکنیم؛ خوب، دیگران هم



دارند ورزش میکنند اما نگاهشان به میان‌دار گود است. اگر چنانچه دولت رفتار قوی و خوب و موفق داشته باشد، دستگاه‌های دیگر هم خواهی‌نخواهی، حرکتشان حرکت خوبی خواهد بود؛ دولت یک چنین وضعی دارد. لذا تعامل با دولت، به نظر ما یک چیز لازمی است؛ تعامل با همه‌ی قوا، با همه‌ی دستگاه‌های گوناگون کشور بخصوص با قوه‌ی مجریه و دولت که این تعامل، مظهر واقعی آن چیزی است که ما اول سال به همه‌ی مردم و به شما عرض کردیم: «همدلی و هم‌زبانی». البته من به دولت هم همین سفارش را میکنم؛ این سفارش فقط به شما نیست؛ همین سفارش را به رئیس‌جمهور محترم و به وزرا هم میکنیم اما شما هم حتماً لازم است که این تعامل را [داشته باشید].

خب، حالا اگر بخواهیم این تعامل انجام بگیرد، دو سه نکته در ذیل این تعامل وجود دارد که آنها را عرض میکنیم: یکی این است که این تعامل، متوقف است به حسن‌ظن. اگر سوءظن به همدیگر داشته باشیم، تعامل صورت نخواهد گرفت. اگر چنانچه دو نفر که با هم بنا است همکاری کنند، یکی از آنها از اول بنا بگذارد که طرف مقابل میخواهد از پشت به او خنجر بزند، خب این تعامل نمیشود؛ تعامل بر مبنای سوءظن ممکن نیست؛ باید حسن‌ظن داشت. تعامل باید با حسن‌ظن همراه باشد. بدون حسن‌ظن و نیک‌گمانی به طرف مقابل، امکان این وجود ندارد. البته حسن‌ظن به معنای خوش‌باوری نیست؛ به معنای فریب‌خوری نیست. حواسمان باید جمع باشد؛ همیشه انسان، همه‌جا و در همه‌ی موارد باید حواسش جمع باشد. بنده توصیه نمیکنم کسی را به اینکه خوش‌باوری نشان بدهد؛ نه، لکن بنا را بر سوءظن نباید بگذارند. اینکه ما طرف مقابل را از اول متهم کنیم که بنایش بر فلان کار خلاف است - یا بنایش بر سازش است یا بنایش بر خیانت است یا بنایش بر سوءاستفاده‌ی شخصی است - این نمیشود؛ با این نگاه، تعامل امکان‌پذیر نخواهد بود؛ باید با نگاه موافق [تعامل کرد]. این یک نکته در ذیل مسئله‌ی تعامل.

نکته‌ی بعدی این است که تعامل به معنای گروکشی نباشد. ببینید، این یک مرز خیلی باریکی دارد؛ میدانید، بنده در مجلس هم بوده‌ام، من نمایندگی هم کرده‌ام و تجربه‌ی شما را بنده دارم؛ در دولت هم که بوده‌ام و تجربه‌ی دولت را هم دارم. تعامل که می‌گوییم، معنایش این نیست که بین نماینده و بین وزیر یک نوع گروکشی انجام بگیرد، مثلاً بگوید «ول کن تا ول کنم»، (۱۵) این جوری نباید باشد، هر دو - هم نماینده و هم وزیر - باید نگاهشان به وظیفه‌ی قانونی و مصالح کشور و نگاهشان به این باشد که خدای متعال دارد ما را میبیند؛ تعامل بر این مبنا؛ این هم یک نکته. پس تعامل را با گروکشی اشتباه نباید کرد.

نکته‌ی بعدی در مورد تعامل این است که در مجلس، بخصوص در کمیسیون‌ها به وزرا اهانت نشود. بعضی از وزرای محترم به من شکایت میکنند که ما به کمیسیون که می‌رویم، با یک لحن اهانت‌آمیزی [برخورد میکنند]؛ من البته معتقدم همه با هم برادرند؛ یعنی نگاه سلطنت‌مآبانه هم نباید داشت که حالا بگوییم «ما عضو دولتیم، ما چنینیم، همه در مقابل ما بایستی خضوع و خشوع کنند»، این قطعاً نیست، اما متقابلاً هم نگاه تحقیر و اهانت و «ریش دست من است» و «پدرت را درمی‌آورم» هم نباید داشت؛ این نگاه هم نگاه درستی نیست؛ با احترام باید برخورد کرد، با ادب باید برخورد کرد؛ ادب در همه‌ی مراحل لازم است. این هم این [توصیه]. خب، پس توصیه‌ی سوم، مسئله‌ی تعامل بود.

توصیه‌ی چهارم، مسئله‌ی مهم اقتصاد مقاومتی است. در مورد اقتصاد مقاومتی، خوشبختانه در کشور هم‌زبانی هست، [اما] مشکل ما در همدلی است؛ آدم می‌ترسد هم‌زبانی باشد، همدلی نباشد. ای بسا هندو و ترک هم‌زبان ای بسا دو ترک چون بیگانگان



پس زبان همدلی خود دیگر است

همدلی از هم‌زبانی بهتر است (۱۶) خب، این هم‌زبانی هست، همدلی هم باید انجام بگیرد یعنی از بُن دندان به مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی باید باور آورده شود؛ باور کنیم که کلید حل مشکلات کشور در داخل است؛ ستون فقراتش هم تقویت تولید داخلی است که حالا این کاری که شما کردید - قانون برداشتن موانع تولید - (۱۷) کار خوبی است و شنیدم - آن‌طوری که گزارش شد به من - کار کارشناسی شده‌ی خوبی هم بوده؛ اینها باید دنبال بشود؛ باید همه این را باور کنند. بنده عقیده‌ام این است که اگر ما توانستیم تولید را در داخل تقویت کنیم، اگر توانستیم از ظرفیتهای داخلی به معنای حقیقی کلمه استفاده کنیم، حل مسائل بیرونی آسان خواهد شد؛ حل مسئله‌ی هسته‌ای آسان خواهد شد.

خب، مسئله‌ی هسته‌ای به صورت یک گره درآمده؛ این [مسئله] راه‌حلهایی دارد، [اما] آن راه‌حل‌ها متوقف به تقویت درونی ما است؛ اگر این تقویت در درون انجام بگیرد، آن کار آسان خواهد شد. غیر از مسئله‌ی هسته‌ای هم سریال‌های دیگری در انتظار ما است؛ این جور نیست که همه‌ی مسائل ما با غرب، با آمریکا، با صهیونیسم، با گردن‌کلفت‌های اقتصادی دنیا فقط همین مسئله‌ی هسته‌ای باشد؛ این تنها مسئله‌ی ما نیست؛ دنباله‌اش مسائل گوناگون - حقوق بشر و امثاله و امثاله - [هست]؛ حل همه‌ی این مسائل آسان خواهد شد، نمی‌گوییم به خودی خود حل خواهد شد؛ نه، تلاش لازم است اما حل آن مسائل آسان خواهد شد. اگر چنانچه ما توانستیم این مسئله‌ی داخلی را حل کنیم. این مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی را در قانون برنامه‌ی ششم کاملاً ببینید؛ در قانون بودجه‌ی سال ۹۵ این را به‌طور کامل ببینید.

البته سیاستها ابلاغ شده است، (۱۸) دستگاه‌های دولتی کارهای زیادی کردند. کارهایی انجام گرفته است اما نگاه کنید ببینید کجای این جدول ناقص است. بالاخره اگر یک دارویی را تجویز کنند که علاج قطعی فلان بیماری است و این دارو هم مثلاً فرض کنید که پنج جزء دارد، اگر یک جزء از این پنج جزء نبود، این دارو نیست ولو چهار جزء دیگرش باشد؛ باید همه‌ی این اجزاء وجود داشته باشد تا انسان بتواند منتظر شفا و نتیجه باشد. نگاه کنید ببینید کدام قسمت این جدول - به قول فرنگی‌مآب‌ها این پازل - خالی است و باید پُرش کرد، آن را پیدا کنید. در قانون برنامه، در قانون بودجه‌ی ۹۵ این را کاملاً نگاه کنید.

خب، البته بنده این را میدانم، برادران ما در دولت هم تکرار میکنند که اینکه شما دائم تکرار میکنید چه و چه، خب ما دچار کمبود منابعیم. بله، بنده هم میدانم که ما دچار کمبود منابعیم و تحریم هم تأثیر داشته است در این کمبود منابع - این را ما شکی نداریم - لکن وقتی انسان کمبود منابع دارد، باید چکار کند؛ باید دو دستی به سر خودش بزند؟ باید شیون کند؟ نه، راه علاج پیدا کنید. راه علاج دارد؛ یکی از راه‌های علاج صرفه‌جویی است، صرفه‌جویی کنید؛ در تقسیم و توزیع منابع داخلی، اولویتهای را رعایت کنید؛ اینها راه علاج است. بن‌بستی وجود ندارد. کمبود منابع، مشکل ما است، نه گره بازنشده‌ی ما؛ یک مشکلی است، این مشکل را باید برطرف کرد؛ خب این راه‌حل دارد. ما الان پولها را گاهی در جاهایی خرج میکنیم که نباید در آنجاها خرج بشود. بعضی از دستگاه‌ها را ما می‌شناسیم - بنده از نزدیک بعضی از دستگاه‌ها را می‌شناسم - که توانسته‌اند خدمات خودشان را به چند برابر افزایش بدهند بدون اینکه یک قران به بودجه‌ی اینها اضافه شده باشد؛ با مدیریت درست، با نگاه درست، با کم کردن از مصارف زائد؛ که این البته، هم شامل دولت است، هم شامل مجلس است، هم شامل نیروهای مسلح است. غیر از نیروهای مسلح هم داریم [به صورت] موردی، اما در بخشی از نیروهای مسلح هم در یک‌جاها دیدیم که توانایی‌هایشان و کارکردشان



مضعف شد، بدون اینکه بودجه‌شان اضافه بشود؛ یعنی میشود این کار را کرد. پس بنابراین این کمبود منابع هم نباید برای ما بهانه‌ای بشود برای اینکه بگوییم نمیشود کار کرد؛ نه، اگر انضباط مالی وجود داشته باشد، همه چیز قابل حل است. این چیزها هم قابل حل است. البته تکرار میکنم این انضباط مالی مخصوص دولت نیست؛ مجلس هم همین جور است، جاهای دیگر هم همین جورند؛ همه باید انضباط مالی داشته باشند.

مطلب دیگری که عرض میکنیم، راجع به مواضع اصولی در مجلس شورای اسلامی است. بحمدالله مواضع اصولی مجلس، خوب است. اشاره هم کردند رئیس محترم مجلس، همین جور است؛ بنده هم می‌شنوم، میبینم، مشاهده میکنم که وقتی مسائل اساسی و اصولی و آن چیزهایی که مبانی اصلی نظام و انقلاب اسلامی است مطرح میشود، مواضع مجلس، مواضع قابل قبول، مثبت و بعضاً کاملاً پیشرفته است؛ این باید باشد، این در همه‌ی مجالس باید باشد. شاکله‌ی مجلس شورای اسلامی باید بنای مرتفع مواضع اصولی باشد. معیار هم، فرمایشات امام و وصیت‌نامه‌ی امام و همین بیست و چند جلد بیانات امام است؛ این معیار است. نگاه کنیم ببینیم مجموعه‌ی بیانات امام چه رفتاری را، چه جهت‌گیری‌ای را برای انقلاب و برای نظام جمهوری اسلامی ترسیم میکند؛ روی این مواضع بایستی ایستاد؛ باید شاکله‌ی مجلس این باشد. اگر این شد، آن وقت در پرتگاه هولناک فرو غلتیدن در نظام سلطه ما دچار نخواهیم شد؛ در یک چنین پرتگاه هولناکی فرو نخواهیم غلتید؛ والا اگر این نشد، خطرات در این زمینه زیاد است.

آخرین مطلب هم این است که در مورد مسائل هسته‌ای، مواضع، همان چیزهایی است که ما علناً اظهار کردیم، همان چیزی که گفته‌ایم. البته بعضی چیزها هست که انسان اینها را در علن اظهار نمیکند، به‌طور خصوصی اظهار میکند - مواردی از این قبیل هست؛ همه‌ی حرفها [را نمیشود علناً گفت]؛ «لَيْسَ كُلُّ مَا يَعْلَمُ يَقَالُ» - لکن آن چیزهایی که علناً گفته شده، دقیقاً همان چیزهایی است که به مسئولین هم همانها گفته شده؛ هم زبانه گفته شده، هم کتبه گفته شده؛ مواضع اساسی نظام اینها است. و ما معتقدیم که برادران ما مشغول کارند، مشغول تلاشند، واقعاً عرق میریزند، در این زمینه‌ها دارند کار میکنند؛ بایستی ان شاءالله به امید خدا و با توکل به خدای متعال بر همین مواضع پافشاری کنند و بتوانند آن چیزی که مصلحت کشور و مصلحت نظام است، ان شاءالله تأمین کنند.

امیدواریم خداوند متعال به شماها توفیق بدهد، و بتوانید ان شاءالله از این فرصت خوب برای کسب رضای الهی استفاده کنید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱) این دیدار به مناسبت شروع چهارمین سال دوره‌ی نهم مجلس شورای اسلامی برگزار شد. قبل از شروع بیانات معظم‌له، آقای علی لاریجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی) گزارشی ارائه کرد.

۲) آیات ۳۰ تا ۳۶ سوره‌ی فصلت با تلاوت آقای قاسم رضیعی.

۳) سوره‌ی فصلت، بخشی از آیه‌ی ۳۱

۴) مفاتیح الجنان، بخشی از مناجات شعبانیه

۵) سوره‌ی فاطر، بخشی از آیه‌ی ۱۰



- ۶) عماد خراسانی
- ۷) مصباح‌المتهمجد، ج ۱، ص ۲۷۰
- ۸) صحیفه‌ی سجّادیه، دعای ۴۰
- ۹) سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۹۳
- ۱۰) سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۳۲
- ۱۱) سوره‌ی سبأ، بخشی از آیه‌ی ۳
- ۱۲) از جمله، سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۱۸
- ۱۳) سعدی
- ۱۴) برنامه‌ی ششم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ - ۱۳۹۵)
- ۱۵) خنده‌ی حضّار
- ۱۶) مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اوّل (با اندکی تفاوت)
- ۱۷) لایحه رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، در اوّل اردیبهشت ۱۳۹۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.
- ۱۸) ابلاغ سیاست‌های کلّی اقتصاد مقاومتی (۳۰/۱۱/۱۳۹۲)